

مراحل شاخص مشاوره مسيحي  
مرحله اول: آغاز کار  
فصل چهارم

**Critical Stages of  
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز  
مترجم: شاهرخ صفوی

## پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

## فهرست

مقدمه

مرحله اول ..... آغاز کار

مرحله دوم ..... گشایش

مرحله سوم ..... اهداف پایانی

## مرحله اول

### فصل چهارم

### چه کسی تصدی جلسه را در دست دارد؟

این موضوع را باید در همان جلسه اول روشن کرد. اگر متقاضی تصدی جلسه را بعهده گیرد، مشاوره یقیناً با شکست مواجه خواهد شد. مشاور از آغاز کار باید رهبری جلسات را در دست بگیرد و نگاه بدارد. این کار نیز عمدتاً در جلسه اول که صحبت از خط مشی و رویه کار خواهد بود انجام می گیرد.

متقاضیانی را خواهید داشت که می خواهند کنترل جلسات مشاوره را در دست بگیرند. بعضی نیز قوائدی را معرفی خواهند کرد که بر اساس آن جلسات باید ادامه یابند (۱). دیگران نیز خواهند گفت راجع به چه موضوعاتی صحبت خواهند کرد و چه موضوع هائی را صحبت نخواهند کرد (۲). بعضی متقاضیان به راه های مختلفی سعی خواهند کرد جلسات مشاوره را به جانبی که خود می خواهند هدایت کنند.

البته همه کوشش های متقاضیان برای بدست آوردن کنترل جلسات مشاوره شرارت آمیز نیست. بعضی متقاضیان به خاطر آنکه می خواهند به جریان کار مشاوره کمک کنند تاکید بر موضوع خاصی می کنند. با وجود آنکه نیت چنین رفتار هائی بد نیست، اما کمک به بیشبرد مشاوره نمی کند. و اگر چنین اتفاقی بی افتد، مشاور باید موضوع را به متقاضی گوشزد کند.

در مشاوره های بدون دستور و ”جریان آزاد“، مشاور سعی می کند کنترل مشاوره را بدست متقاضی بسپارد. مشاوره مسیحی عکس آن است. مشاور مسیحی با محبت کافی نشان می دهد که به عقاید و فرمایشات متقاضی توجه خواهد کرد، به شرطی که با رعایت نظم و ترتیب توأم باشد. باید روشن کرده باشد که متقاضی به این دلیل به جلسات مشاوره روی آورده که مسائلی دارد که خود نتوانسته حل کند، و قسمتی از این مسائل نیز پافشاری او در نحوه انجام کار است.

در فصل های قبل به شیوه های انجام کار اشاره شد تا به متقاضی نشان داده شود که مشاور راه بخصوصی را دارد که دنبال کند، و نتیجه ای که می خواهد نیز برایش روشن است. در بیشتر اوقات، همین موضوع خود کفاف بدست آوردن کنترل را ایجاد می کند. اما باید در نظر داشت که در بعضی اوقات، متقاضی سعی خواهد کرد افکار و عقاید خودش را در صدر جریان بحث ها قرار دهد.

حال مثالی را در نظر بگیریم. مریم با مسائل زیادی به جلسه مشاوره آمد. کسی به او نگفته بود بهتر است همه مسائلش را روی کاغذ بنویسید. در نتیجه، بخاطر آنکه چیزی از یاد نبرده باشد همه چیز را در هم و برهم به زبان می آورد، ”این مسئله را با شوهرم دارم، و این مشکل را با فرزندم دارم، و دیگر مسئله بزرگی است که با مادر شوهرم دارم، و نمی دانم گفتم که مسئله بزرگی با شوهرم دارم؟!“ مشاور با خنده می گوید، ”صبر کنید! همه این مسائل مهم هستند و بگذارید یکایک آن ها را در دستور جلسات ثبت کنم. به این شکل، مریم قدری آسایش یافت که همه موارد مورد بحث و گفتگو قرار خواهند گرفت. من حتی متقاضی داشته ام که از صندلی خود بلند شده و با انگشت روی مسئله ای تاکید نموده، ”حتماً یادتان باشد به این مورد رسیدگی کنید.“ جواب من نیز، ”بخاطر همین آن را روی کاغذ نوشته ام، تا در موقع لازم، در این جلسه یا جلسات دیگر، به آن رسیدگی نمایم.“

در امثال می خوانیم:

## امثال ۱۸

۱۵: دل فهیمان خریدار معرفت است، گوش حکیمان، جوینده دانش.

دو فعلی که در این آیه بکار برده شده (خریدار و جوینده) از اهمیت خاصی برخوردارند. مشاور (جویای) اطلاعات لازم می شود و آن را بدست می آورد (خریدار) تا به طور حکیمانه از آن استفاده نماید. او به خود اجازه نخواهد داد دستخوش فشار های متقاضی قرار بگیرد و تصمیمات نا بهنگام بگیرد یا موردی را قبل از حل مسئله آغاز نماید. در همان فصل از امثال می خوانیم:

## امثال ۱۸

۱۳: پاسخ دادن پیش از شنیدن، نادانی است و شرمساری.

احساسات و عقایدی که در زندگی قبلی متقاضی کار فرما بوده را نباید گذاشت دخالت در کار تازه و جدید روح القدس کند. البته منظور این نیست که نباید انعطاف پذیر بود. البته حقایق را نمی توان انکار کرد، اما دلائل باید قوی باشند تا راه گذشته را کنار گذاشته و راه دیگری را آغاز کرد. چنین وقایع را نیز کمتر در مشاوره خود خواهید دید.

حال ببینیم روش مشاوره مسیحی چیست. روش آن را می توان پهناور و عمیق نام برد. مشاوران مسیحی لازم است تمام آنچه مربوط به موضوع می باشد را بشناسند (پهناور) تا بتوانند متقاضی را به درستی یاری کنند. در نتیجه باید هر مسئله ای را در تمام ابعاد زندگی متقاضی شناسائی کنند (جسمانی، شغلی، فامیلی، اجتماعی، کلیسایی) تا جایی برای شکوفائی جدید مسئله پیدا نشود. وقتی نمودار زندگی متقاضی را مانند دایره ای که به چند قسمت تقسیم شده، زیر میز مشاوره خود قرار بدهیم، فراموش نخواهیم کرد تا سؤالاتی در خصوص هر قسمت مطرح کنیم. پس از تکمیل دوره پهناور مسئله، دوره عمقی مسئله آغاز می گردد (۳). سؤالات مربوط به این دوره نیز از دوره قبل سرچشمه خواهند گرفت.

ممکن است برسید چرا لازم است تمام زندگی متقاضی را زیر ضره بین قرار داد؟ شاید مسئله متقاضی در محل کارش می باشد و این چه ربطی به سایر قاسمت های زندگی او دارد؟ و احتمالاً خود متقاضی نیز چنین سؤالی برایش پیش خواهد آمد. دلیل اینجا است که هر یک از ابعاد مختلف زندگی با ابعاد دیگر در رابطه می باشند، و معمولاً اثر بدی که در یک بُعد مسئله پدید آمده تاثیر بد بر ابعاد دیگر نیز می گذارد. اگر مسئله در کارش است، ممکن است در زندگی خانوادگی او نیز تاثیر گذاشته باشد.

در دست داشتن کنترل جلسه اول کمک خواهد کرد تا کنترل جلسات دیگر ادامه یابد. و بعکس، اگر کنترل جلسه اول از دست خارج شود، مشکل می توان دوباره آن را بدست آورد. اگر متقاضی نیز بفهمد که کنترل مشاوره از دست شما خارج شده، ناامید خواهد شد و این موضوع به مسائل موجود خواهد افزود. باید در این زمینه پافشاری نمود. می توان موضوع را به این شکل مطرح نمود، "سعید خان، وقتی دائماً موضوع بحث را تغییر می دهید برایم مشکل خواهد بود تمام سؤالات لازمه هر مورد را مطرح کنم. بگذارید توجه کافی به هر مورد بکنیم تا بتوانیم زودتر به جوانب حل مسئله بپردازیم."

در مثال دیگری می توانیم شوهری که با تحقیر و ملامت با زنش صحبت می کند را نام ببریم. او نیز ممکن است بخواهد مقابله با مثل نماید. بسیاری با طعنه و تنفر به هم پرخاش می کنند. مشاور نباید بگذارد این وضع ادامه پیدا کند. در این راستا است که کنترل جلسه را باید عهده دار شود،

”محسن خان، مریم خانم، بگذارید چند موضوع را برای شما روشن کنم. یکی از دلایلی که به اینجا آمده اید طریق صحبت شما با همدیگر است. قاعده ما این است که مانند اشخاص مسیحی باهم هم صحبت خواهیم کرد. اگر باهم اختلاف نظر دارید، به من بگوئید نه به یکدیگر. ابتدا بگذارید مسئله فاش گردد، و سپس به حل آن خواهیم پرداخت.“

اما اگر هر دو پس از گوشزد های مکرر، به زبان بازی خود ادامه دهند، چاره ای نخواهید داشت تا جلسات مشاوره را به تعویق بی اندازید. باید به جایی برسند که دست از رفتار گذشته خود بردارند.

ممکن است متقاضی نخواهد مطابق با دستور عمل مشاوره قدم بردارد، در این صورت نیز مشاوره پایان می یابد. اگر تغییری که خدا می خواهد را قبول ندارد، فایده ندارد مشاوره را ادامه داد. باید زمانی به او داده شود تا تصمیم لازم خود را بگیرد.

در تمام این مراحل نباید مشاور نشان بدهد که همه چیز را می داند. آنچه متکی به آن است این است که روشی را در دست دارد که می داند جویای مسئله خواهد بود و آن را نیز حل خواهد کرد.

#### فهرست زیر نویس های فصل چهارم

- (۱) متقاضی حرفه ای، کسی است که بیشتر علاقه به جریان کار مشاوره دارد تا نتیجه آن. چون امیدی به مشاوره ندارد، ”علم“ مشاوره را دنبال می کند. البته می دانیم که علمی در کار نیست و روح القدس است که مشاوره را هدایت می کند.
- (۲) در این مورد در فصل هشتم بیشتر صحبت شده است.
- (۳) این دوره معمولاً بیش از دو جلسه لازم دارد.